



شناسایی مشارکتی مشکلات بهره‌برداران منابع طبیعی روستای کنگرشاه و ارائه راه حل محلی (مورد واکاوی؛ دامداران)

عبدالحمید پاپزن^۱، امیرحسین علی بیگی^۲، شهپر گراوندی^۳، مهنا شاهمرادی^۴، لیدا شرفی^۵، سید سالار
حسینی^۶

چکیده

دامداران یکی از مهم‌ترین اقشار تولیدکننده محصولات لبنی و پروتئینی در کشور هستند. علی‌رغم دانش بومی و تجربه بالای این افراد، در اکثر برنامه‌های توسعه‌ای به‌شیوه‌ای منفعل با این افراد برخورد می‌شود. به‌عبارت دیگر غلبه دید از بالا به پایین در بسیاری از برنامه‌ریزها و عدم باور به دانش مردم محلی سبب شده است که مسئولان و کارشناسان برای حل مشکلات این بهره‌برداران عموماً از راه‌حل‌های بیرونی به‌شکلی دیکته‌وار استفاده نمایند. در حالی که در بطن جامعه روستایی به ازای هر مشکل، چندین راه‌حل بومی، کم هزینه، کاربردی و آزمایش شده وجود دارد. با این اعتقاد، در پژوهش حاضر سعی شده است با استفاده از روش برنامه‌ریزی مشارکتی به‌صورتی نوین، سیستماتیک و با بکارگیری تعدادی از تکنیک‌های مشارکتی به‌شناسایی مشکلات دامداران بهره‌بردار از منابع طبیعی روستای کنگرشاه و ارائه راه‌حل محلی برای آن‌ها پرداخته شود. در این راستا از تکنیک‌های مشارکتی طوفان اندیشه، ماتریس مشکلات، دیاگرام ارائه راه‌حل محلی و تحلیل SWOT بهره گرفته شد. داده‌های مورد نیاز از طریق گروه متمرکز و در فاصله زمانی ۹۳/۹/۲۰ تا ۹۳/۱۱/۲۹ جمع‌آوری شدند. یافته‌ها نشان داد عدم ثبات بازار، کمبود علوفه و آب از مهم‌ترین مشکلات دامداران روستای کنگرشاه می‌باشد. علاوه بر این بحث‌های میدانی و گفتگوهای به‌عمل آمده نشان داد دامداران مورد مطالعه به‌منظور مدیریت و حل مشکلات شناسایی شده از راه‌حل‌های محلی مختص به خود استفاده می‌نمایند.

واژگان کلیدی: بهره‌برداران منابع طبیعی، دامداران، راه حل محلی، ماتریس مشکلات، تحلیل SWOT.

^۱ دانشیار و عضو هیئت علمی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه

^۲ دانشیار و عضو هیئت علمی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه

^۳ استادیار و عضو هیئت علمی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه

^۴ دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه

^۵ دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه

^۶ دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه



مقدمه

بررسی‌ها حاکی از آن است که در اکثر موارد برنامه‌ریزی متمرکز و عدم شناخت حقیقی مسائل، مشکلات و دغدغه‌های بهره‌برداران محلی و تدوین مسائل به طور یک طرفه بدون در نظر گرفتن اثرات متقابل بین منابع طبیعی و معیشت خانوارهای بهره‌بردار، نتیجه‌ای جز دلسردی بهره‌برداران به پروژه‌های دولتی و نداشتن حس مسئولیت در نگهداری و حفاظت از منابع طبیعی نداشته است (کوچکی، ۱۹۹۷، مخدوم، ۲۰۰۱، جمشیدی و امینی، ۱۳۹۱). به نحوی که در بسیاری از مواقع جوامع محلی در پذیرش پروژه‌های منابع طبیعی مشکل داشته و راه حل‌های دولتی را در تضاد با منافع خود می‌دانند.

طرح‌های مدیریت منابع آب و منابع طبیعی، طرح تعادل دام و مرتع، طرح یکجانشینی و اسکان عشایر، نمونه‌هایی از طرح‌هایی هستند که با وجود صرف هزینه‌های هنگفت، در اجرا به شدت با مشکل مواجه شده‌اند (امینی و خیاطی، ۱۳۸۵؛ زارعی و همکاران، ۱۳۸۸؛ حسن نژاد و همکاران، ۱۳۹۰؛ عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۱). به طور مثال تصویب لویح و قوانین جنگل‌ها و مراتع و دخالت و برخورد‌های قانونی، ممیزها و صدور پروانه چرا به نام بهره‌برداران مرتعی بر اساس تعداد دام و نه تنها حقوق عرفی، عملاً مبنای حقوقی جدیدی را در مالکیت مراتع پدید آورد. این امر سبب گردید است تا در این دوره اولاً مراتع حریم روستاها گسترش یابد و مراتع مستعد اطراف روستاها به اراضی کشاورزی تبدیل شود و ثانیاً قشر کشاورز-دامدار جدیدی به نام دامدار روستایی امکان بهره‌برداری از مراتع خارج از حریم روستا را پیدا کند و در قلمرو مراتع عشایری نفوذ کند. مجموع این شرایط نیز موجب شد نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی با چالش‌هایی از قبیل برهم خوردن تناسب بهره‌برداری از عرصه‌های منابع طبیعی با توان و ظرفیت آن‌ها، اداری شدن نظام مدیریت مراتع، کاهش کنترل و نظارت دولت در بهره‌برداری از مراتع، توسعه مراتع حریم روستاها، افزایش تعداد دامدارهای روستایی، افزایش رقابت دامداران عشایری با روستایی در چرای مراتع و... برهم خوردن تعادل دام و مرتع و روند کاهش تولید علوفه، مواجه شود (باژیان، ۱۳۸۶).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود دخالت و موازی کاری سازمان‌هایی همچون سازمان حفاظت از محیط زیست، سازمان اوقاف و ارگان‌های نظامی در امر مدیریت منابع طبیعی به عمیق شدن مشکلات موجود دامن زده است (باژیان، ۱۳۸۶؛ حیدری و همکاران، ۱۳۸۹) و چه بسا اگر این راه‌حل‌های بیرونی بکار گرفته نمی‌شد وضعیت این بهره‌برداران هم‌اکنون در سطحی مطلوب‌تر از امروز قرار داشت. از این رو برای جلوگیری از خطاهای گذشته، در پژوهش حاضر سعی شده است به شناسایی مشکلات دامدار بهره‌بردار منابع طبیعی روستای کنگر شاه و ارائه راه‌حل‌های محلی از منظر خود آنان پرداخته شود.

مروری بر مستندات داخلی نشان می‌دهد بهره‌برداران منابع طبیعی در گوشه و کنار این سرزمین با مشکلات و چالش‌های مختلفی روبرو هستند. در اکثر این تحقیقات سعی شده است برای حل این مشکلات راه‌حلی را نیز معرفی شود. بدین ترتیب در پژوهش حاضر سعی شده است پیشنهادها در دو حوزه مشکلات و راه‌حل‌ها مورد واکاوی قرار گیرد.

گروهی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد دامداران بهره‌بردار با مشکلاتی از قبیل: محدودیت وجود مراتع و کمبود علوفه، گرانی قیمت علوفه دستی، ضعف در ارائه تسهیلات کم بهره، کاهش انگیزه مالکیت، ضعف پیگیری و نظارت کارشناسان منابع طبیعی (محمودی و همکاران، ۱۳۹۰)، اشکالات وارده بر نحوه صدور پروانه چرا، عدم توجه به ساختار اجتماعی بهره‌برداران نسبت به واگذاری مراتع و گرایش دامداران روستایی و عشایری به احراز مالکیت مراتع واگذار شده، رابطه ناموزون و غیر ارگانیک بین مردم و سازمان‌های دولتی، اختلاف نظر و دیدگاه بین دستگاه‌های دولتی، عدم توجه به نقش مردم در برنامه‌ریزی (امیری متین، ۱۳۸۹) روبرو می‌باشند.

همانگونه که قبلاً ذکر شد گروه دیگر از پژوهش‌ها بر حل مشکلات دامداران بهره‌بردار از منابع طبیعی تاکید داشته‌اند. در این راستا نتایج شاه ولی و باژیان (۱۳۸۰) پنج قضیه را برای حل مشکلات موجود در زمینه بهره‌برداری از منابع طبیعی و احیا آن ارائه داده‌اند. این راه‌حل‌ها عبارتند از: احیای ساختارهای بومی مدیریت مراتع نظیر، احیای نهادهای اجتماعی سنتی مدیریت مراتع، احیای ارتباطات سنتی که برای اموری نظیر رسومات اجتماعی، احیای مدیریت بومی اقتضایی و تضاد بین مدیریت بومی مراتع توسط عشایر با قوانین دولتی و مقررات اوقاف یا ناشی از ماهیت قوانین و مقررات یاد شده و یاد ناشی از اجرای غلط و نظارت ناکافی است. برخی دیگر از مطالعات عدم وجود توافق مدیریتی بین سازمان‌های دولتی و سازمان‌های محلی مانند شوراهای اسلامی را حلقه‌ی گمشده مدیریت مشارکتی و حل مسائل و مشکلات بهره‌برداران منابع طبیعی اذعان نموده‌اند. در این راستا عابدی سروستانی (۱۳۹۴) معتقد است تفویض قدرت تصمیم‌گیری پیرامون منابع طبیعی را باید به خود مردم محلی و سازمان‌های همچون شوراها داد. سازمان‌های محلی



مانند شوارهای اسلامی، می‌توانند ضمن حل و فصل مشکلات موجود، اشتراک گذاشتن منافع و مسئولیت‌ها، در ایجاد تفاهم بین سازمان‌های دولتی و مدیریت سنتی و محلی و گروه‌های بهره‌بردار نقش داشته باشند (صادقی، ۲۰۰۶).
از این رو تدوین راهکارهای مناسب در زمینه مدیریت پایدار منابع طبیعی نیازمند روش‌ها و راهبردهای خاص منطبق بر شرایط اجتماعی و فرهنگی بهره‌برداران است، به گونه‌ای که ضمن مشارکت مردم محلی و بهره‌گیری از دانش بومی و محلی آنان در تصمیم‌گیری‌ها و تدوین راهکارها، از روش‌ها و فنون ارتباطی مناسب بر گردآوری اطلاعات و اطلاع رسانی به افراد استفاده می‌شود. به این منظور پژوهش حاضر با بکارگیری رهیافت ارزیابی مشارکتی به دنبال شناسایی و تحلیل مشکلات بهره‌برداران منابع طبیعی شهرستان صحنه می‌باشد. تا با بهره‌گیری از رهیافت‌های مشارکتی به اولویت بندی مسائل و مشکلات بهره‌برداران و ارائه راه حل‌های محلی بپردازد.

ویژگی‌های کلی منطقه مورد مطالعه

روستای کنگرشاه یا اسلام آباد علیا از روستاهای دهستان خدا بنده لوی شهرستان صحنه می‌باشد که در ۱۷ کیلومتری صحنه قرار گرفته است. این روستا هم‌اکنون با جمعیت ۲۳۰ نفری خود دارای ۸۰ خانوار (۶۰ خانوار ساکن و ۲۰ خانوار غیر ساکن) می‌باشد. تعداد خانه‌های این روستا ۷۷ واحد می‌باشد که در سال ۱۳۵۰ نوسازی شده است. مردم این روستا از لحاظ مذهبی نیمی اهل حق و نیمی تشیع می‌باشند و تیره‌های مختلفی همچون: کلهر، شاوند، پشت تنگه و عشایر (ایل زوله) در آن اقامت دارند. شغل اصلی و منابع کسب درآمدی این افراد به ترتیب دامداری، زراعت و ترکیبی از این دو فعالیت می‌باشد.

روش‌شناسی

با توجه به اثربخش بودن روش‌های مشارکتی در بین سایر روش‌های تحقیق و سابقه‌ی مؤثر رهیافت‌های مشارکتی در حل مشکلات، با مشارکت مردم و دخالت دادن دانش بومی و سایر توانمندی‌های بهره‌برداران در این عرصه، در پژوهش حاضر سعی شده است با استفاده از روش برنامه‌ریزی مشارکتی به شناسایی مسائل و مشکلات بهره‌برداران روستای کنگرشاه و ارائه راه‌حل محلی برای آنان پرداخته شود. برای این منظور از تکنیک‌های مشارکتی طوفان اندیشه، ماتریس مشکلات و دیاگرام ارائه راه‌حل‌های محلی و تحلیل SWOT استفاده شد. در این راستا افراد مورد نظر با استفاده از نمونه‌گیری ملاک محور انتخاب شدند. بدین ترتیب افراد در گروه‌های متمرکز شرکت نمودند که اولاً دامدار بوده و دارای تجربه بالایی در امور دامپروری باشند و دیگر آن که از دید مردم محلی صاحب نظر بوده و توان ارائه راه حل محلی را دارا باشند. داده‌ها مورد نظر در فاصله زمانی ۹۳/۹/۲۰ تا ۹۳/۱۱/۲۹ جمع‌آوری شدند. به منظور حصول پایایی و اطمینان از نتایج پژوهش، از روش‌های سه سویه‌نگری و بازنگری مشارکت‌کنندگان و متخصصان استفاده شد، بدین گونه که در طی فرآیند پژوهش داده‌های بدست آمده با جامعه مورد مطالعه مورد بحث قرار می‌گرفت تا از درستی یافته‌ها اطمینان بدست آید و نتایجی که نمایانگر دیدگاه آنان نبود، اصلاح شود.

یافته‌ها و بحث

در ابتدا به منظور شناسایی مشکلات دامداران در روستای کنگرشاه سعی شد با استفاده از تکنیک ماتریس مشکلات به شناسایی مشکلات آنان پرداخته شود. بر اساس ماتریس ترسیم شده، ۷ مشکل عمده در خصوص امور مربوط به دامداران شناسایی شد (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱: جلسه هم اندیشی شناسایی مشکلات دامداران در روستای کنگرشاه

(تعداد افراد گروه: ۸ نفر، مکان اجرای تکنیک: مسجد امیرالمومنین (ع)، زمان اجرای تکنیک: ۹۳/۹/۲۰، تحلیل گران: مهدی نوروزی، برومند آواک، صادق نوروزی، خشایار اسدی، سید برهان موسوی، خان اله مرآتی، نورمحمد مرآتی، حاجی سلطانی)

مشکلات شناسایی شده به ترتیب اولویت عبارتند از: عدم ثبات بازار، مشکل علوفه، کمبود آب، کمبود مرتع، بیماری دام، نامناسب بودن اصطبل ها و مشکل پشم چینی می باشد. در ادامه، سعی شد به بررسی مهم ترین مشکلات مطرح شده در قالب درخت مشکلات پرداخته شود (شکل شماره ۲).

ماتریس مشکلات دام

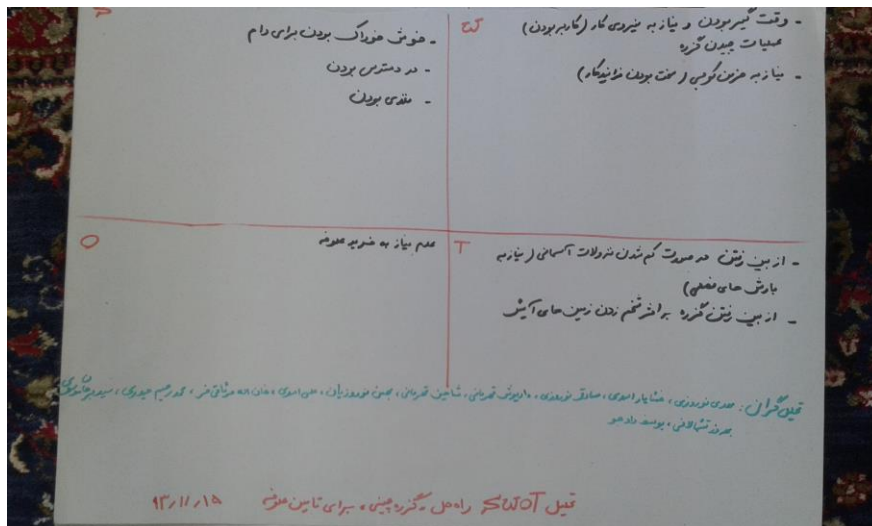
نام مشکل	بازار دام	کود آب	کود چوب	پشم چینی	بیماری دام	بیماری دام
نامناسب بودن اصطبل ها	↑	↑	→	→	↑	↑
بازار دام	↑	↑	→	→	↑	↑
کود چوب	↑	↑	→	→	↑	↑
بیماری دام	↑	↑	→	→	↑	↑
بیماری دام	↑	↑	→	→	↑	↑
بیماری دام	↑	↑	→	→	↑	↑
بیماری دام	↑	↑	→	→	↑	↑
بیماری دام	↑	↑	→	→	↑	↑
بیماری دام	↑	↑	→	→	↑	↑
بیماری دام	↑	↑	→	→	↑	↑

شکل شماره ۲: ماتریس مشکلات دامداران روستای کنگرشاه

(تعداد افراد گروه: ۸ نفر، مکان اجرای تکنیک: مسجد امیرالمومنین (ع)، زمان اجرای تکنیک: ۹۳/۹/۲۰، تحلیل گران: مهدی نوروزی، برومند آواک، صادق نوروزی، خشایار اسدی، سید برهان موسوی، خان اله مرآتی، نورمحمد مرآتی، حاجی سلطانی)

گفتگوهای صورت گرفته در خصوص مشکلات مطرح شده نشان داد عدم ثبات بازار یکی از مهم ترین مشکلاتی می باشد که بهره برداران با آن روبرو هستند. بنا بر اظهارات مشارکت کنندگان این مشکل از توان مدیریتی و کنترل آن ها خارج می باشد و به طور عمده تحت تاثیر اقدامات دولت و سیاست های آن قرار دارد. از این رو هیچ گونه راهبردی برای مهار این مشکل نداشتند. بنابراین گروه تسهیل گر شروع به بررسی دومین مشکل یعنی کمبود علوفه در روستا پرداخت.

ترسیم دیگرام راه حل محلی توسط مخاطبان نشان داد دامداران برای حل این مشکل از راه حل های محلی همچون؛ استفاده از گزره^۷، کاه و کلش و بقایای زراعی برای تغلیف دام، خرید علوفه، در برخی موارد فروش دامها و کاهش تعداد آنها، جا به جایی و انتقال دامها در فصل زمستان استفاده می کنند. گفتگوهای انجام شده در خصوص این راه حلها نشان داد استفاده از گزره یکی از رایج ترین راه حل هایی است که بهره برداران در تغلیف دامهای خود استفاده می کنند. در ادامه به منظور شناسایی نقاط ضعف، قوت، فرصت ها و تهدیدهای این راه حل محلی، با استفاده از تکنیک SWOT به بررسی ابعاد مختلف راه حل مطرح شده پرداخته شد. در اجرای تکنیک سوات، از مشارکت کنندگان خواسته شد مزایا و معایب و همچنین هر آنچه که در زمینه استفاده از گزره در نظر خود آنها تهدید یا فرصت محسوب می شود بیان نمایند (شکل شماره ۳). نقاط قوت گزره از نظر مردم عبارتند از: خوش خوراک بودن گزره و مغذی بودن، (از آنجا که گزره به طور طبیعی و بدون استفاده از سم و کود رشد می یابد و همچنین حاوی چندین نوع گیاه متفاوت می باشد برای دام جذابیت فراوانی دارد)، در دسترس بودن گزره (به خاطر اینکه در اطراف روستای کنگرشاه زمین های بایر و سنگلاخی وجود دارد و گزره در این زمینها نیز رشد می کند، روستاییان دسترسی آسانی به این نوع از علوفه دارند). نقاط ضعف این علوفه آن است که عملیات چیدن آن نیاز به وقت زیادی دارد (به علت دسترسی نداشتن مردم به ابزار آلات چیدن علوفه وقت زیادی برای چیدن گزره لازم می باشد. همچنین به منظور جلوگیری از سفت شدن زمین در اغلب موارد گزره با داس چیده می شود که خود کار سنگین و وقت بری می باشد)، نیاز به خرمن کوبی و سخت بودن فرایند کار (چون گزره از انواع گیاهان مرتعی و خارهای خودرو تشکیل شده است، در کار جمع آوری و خرمن کوبی آن سختی هایی از قبیل: فرو رفتن خار در دست و پای کشاورزان وجود دارد). از تهدیدهای آن نیز می توان به موارد زیر اشاره نمود. در صورت کم بودن نزولات آسمانی و خشکسالی در فصل پاییز، زمستان و بهار گزره نیز رشد نخواهد کرد (چون آب لازم برای رشد گزره از نزولات آسمانی تأمین می شود)، از بین رفتن گزره در صورت شخم زدن زمین های آیش (در منطقه، به علت این که آبی برای آبیاری زمینها وجود ندارد و در صورت از بین رفتن رطوبت، عملیات خاکورزی مشکل خواهد بود. از این رو کشاورزان مجبورند زمینهای خود را حداکثر تا اواسط خرداد به علت وجود رطوبت، شخم بزنند که در این صورت گزره در خاک دفن می شود و از دسترس کشاورزان خارج می شود). در نهایت از فرصت های شناسایی شده می توان به برطرف کردن مقداری از نیاز به علوفه دام (عدم نیاز به خرید علوفه برای دام) اشاره نمود (شکل شماره ۳).



شکل شماره ۳: تحلیل SWOT "استفاده از گزره برای تغلیف دام"

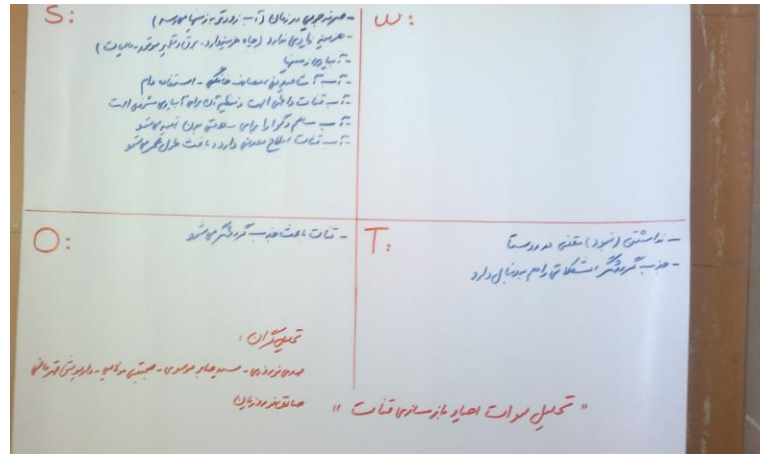
زمان اجرای تکنیک: ۹۳/۱۱/۱؛ ساعت: ۱۰:۱۰ تا ۱۱:۱۵

بررسی ها در خصوص دومین مشکل یعنی کمبود آب نشان داد مردم محلی جهت تامین و حفظ منابع آبی از راه حل های مختلفی استفاده می نمایند. یکی از راه حل های ارائه شده جهت حل مشکل کمبود آب در روستا، راهکار احیاء و بازسازی قنات بود. همانند

^۷ - گزره گیاهان و خارهایی می باشد که در فصل بهار در زمین های دیمی که آیش می باشند، رشد می کند.

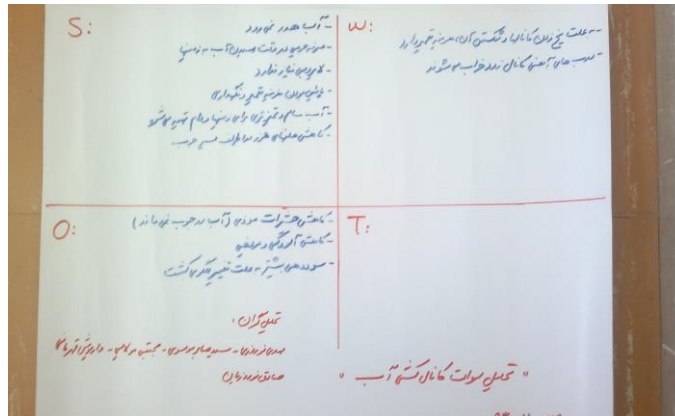


تحلیل های سوات قبلی، گروه تسهیل گر سعی کرد، با پرسیدن سوال های مشخص راه را برای رسیدن به اهداف این تکنیک مرتفع نماید. به این ترتیب از مشارکت کنندگان سوال شد "به نظر شما احیاء و بازسازی قنات، چه تغییرات مثبت و مفیدی را برای کار شما به دنبال دارد؟". از آن جایی که این راه حل از خواسته ها و نیازهای واقعی گروه مشارکت کننده بود، همگی سعی داشتند که به نقاط مثبت و مزایای این طرح اشاره کنند؛ به گفته مشارکت کنندگان، سال قبل اهالی روستا با جمع آوری مبلغی در حدود ۳/۵۰۰/۰۰۰ تومان، اقدام به لایروبی قنات کردند و از این کار رضایت کامل داشتند به گونه ای که همگی اذعان داشتند "اگر قنات در حال حاضر آب دارد، به خاطر لایروبی پارسال بود وگرنه الان همین آب را هم نداشتیم". پس از گفتن این مطالب، به مزایای قنات و لایروبی آن اشاره کردند. بنا به گفته آنان در صورتی که قنات لایروبی شود، آب آن زیاد می شود و در نتیجه آب با سرعت بالاتری به زمینها می رسد که همین امر موجب صرفه جویی در زمان می شود و مقدار زمین های بیشتری آبیاری می شوند. علاوه بر این آنان اظهار داشتند، هزینه بازسازی و لایروبی قنات در مقایسه با حفر چاه بسیار مقرون به صرفه است. در واقع، حفر چاه نیاز به مجوز دارد و هزینه بسیار بالایی برای حفر آن نیاز است که از عهده اهالی روستا خارج است و باید دولت در این زمینه اقدام کند. در ضمن، چاه به برق نیاز دارد و تعمیرات موتور و پرداخت مالیات به دولت نیز از جمله موارد دیگری است که به عنوان محدودیت های حفر چاه بیان کردند. ذکر این مطالب از سوی روستاییان نشان دهنده این حقیقت است که روستاییان به اهمیت و برتری قنات نسبت به چاه واقفند. نکته جالبی را که مشارکت کنندگان بدان اشاره کردند اینکه، قنات یک منبع آب دائمی است و در نتیجه می توان بر اساس آن نوبت آبیاری هر بهره بردار را تنظیم کرد و در واقع نوبت آبیاری هر فرد مشخص است؛ در حالیکه در مورد چاه اینگونه نیست. این بدان خاطر است که چاه بوسیله برق کار می کند و در صورتی که برق چاه دچار مشکل شود، آبیاری متوقف شده و در نتیجه تنظیمات نوبت آبیاری زارعان به هم می ریزد. بدین معنی که نمی توان بطور قطعی نوبت آبیاری هر فرد را مشخص کرد. شرکت کنندگان بر این باورند که آب قنات، کارکردهای بسیاری برای اهالی روستا دارد. در واقع ساکنان روستا از آب قنات برای آبیاری زمین های زراعی استفاده می کنند. البته شایان ذکر است که به علت کم بودن آب قنات، نمی توانند تمامی زمینها را بوسیله قنات آبیاری کنند و اشاره داشتند "فقط تا حدی" از آب قنات بدین منظور استفاده می کنند. هم چنین از آب آن به منظور خوردن و آشامیدن، مصارف خانگی، استفاده برای دام بهره می گیرند. افزون بر این یکی از افراد کلیدی عنوان کرد که آب قنات، به دلیل داشتن املاح معدنی، آب سالم و گوارایی است و برای سلامتی افراد مفید است و طول عمر را افزایش می دهد. یکی از دیگر از زارعان بیان کرد از جمله فرصت هایی که بازسازی قنات به ارمغان می آورد اینکه، موجب جذب گردشگر می شود که در نتیجه می تواند فرصت های شغلی و اقتصادی و... در پی داشته باشد. بعد از استخراج نقاط قوت و فرصت، این سوال مطرح شد که "آیا احیاء و بازسازی قنات، ممکن است مشکلاتی را برای شما بوجود آورد؟". در واقع هدف از پرسیدن این سوال این بود که جنبه های منفی این راهکار نیز مشخص شود. در این خصوص یکی از روستاییان به این نکته اشاره کرد که "جذب گردشگر می تواند مشکلاتی را نیز برای روستاییان داشته باشد. به عنوان مثال گردشگران بدون اجازه از درختان میوه ما استفاده می کنند و خیلی از مواقع صدمات و خساراتی را به باغ و محصولات ما وارد می کنند". وی در ادامه بیان کرد که ما باید روزهای پنجشنبه و جمعه برای زمین های خود نگرهبان بگذاریم و این برای ما یک تهدید محسوب می شود. مورد دیگری را که به عنوان تهدید بازسازی قنات ذکر کردند، نداشتن مقنی در روستا بود. بطور کلی، جمع بندی مباحث مطرح شده حاکی از موافقت شرکت کنندگان در مورد احیاء و بازسازی قنات بود (شکل شماره ۴).



شکل شماره ۴: تحلیل SWOT راه حل محلی "احیاء و بازسازی قنات"
زمان اجرای تکنیک: ۹۳/۱۱/۲۹ ساعت: ۹:۰۰ تا ۱۰:۳۵

دومین راه حل ارائه شده جهت حل مشکل کمبود آب، راهکار کانال کشی بود. بدین منظور، گروه تسهیل گر با پرسیدن سوال های مشخصی، سعی در تعیین ابعاد مثبت و منفی این راه حل داشت. به این ترتیب، با پرسیدن سوالاتی از قبیل "فرض کنید که هم اکنون کانال کشی آب در روستا انجام شده است، به نظر شما، چه تغییرات مثبت و مفیدی برای کار شما اتفاق می افتد؟"، "چرا راه حل کانال کشی را برای مشکل کمبود آب مفید می دانید؟"، "این راهکار چه مشکلی از مشکلات زراعی شما را برطرف نموده است؟" ذهن مشارکت کنندگان را به سمت ابعاد مختلف راهکار کانال کشی جهت داد. با مطرح شدن این گونه سوالات، افراد شروع به ارائه نظرات خود پیرامون این راه حل پرداختند. آن ها معتقد بودند که کانال کشی در روستا موجب می شود که آب از داخل کانال ها عبور کرده و به سر اراضی برسد؛ همین امر مزایای زیادی در بر دارد؛ اول اینکه آب هدر نمی رود و با سرعت بیشتری به زمین ها می رسد، در نتیجه در وقت و زمان صرفه جویی می شود و پرت آب کاهش می یابد. در ضمن با توجه به اینکه زمینها از آب بیشتری برخوردار می شوند، این فرصت فراهم می شود که بتوان الگوی کشت را تغییر داد و محصولات آبی کشت کرد که در نهایت سود و منفعت بیشتری نصیب کشاورزان شود. آن بیشتر است. از دیگر مزایایی که مشارکت کنندگان برای کانال کشی در سطح روستا برشمردند این است که، از آنجا که آب از کانال ها عبور می کند، در نتیجه علف های هرزی که در اطراف مسیر کانال می رویند، آبی دریافت نمی کنند که این مساله از طرفی باعث می شود که رشد این گونه گیاهان کمتر شود و از سویی دیگر آب هدر نمی رود. هم چنین این راه حل، این امکان را فراهم می آورد که آب پاکیزه و سالم تری به زمین ها برسد؛ علاوه بر این، بنابر مشاهدات صورت گرفته و هم چنین به گفته شرکت کنندگان، آبی که از چشمه ها و قنات جاری می شود با فاضلاب روستا درآمیخته و در نتیجه موجبات آلودگی آب را فراهم می آورد، بنابراین دام هایی که از این آب می خورند، مبتلا به انواع مریضی ها می شوند. از این رو، کانال کشی را راهی برای کاهش مریضی دام و کاهش آلودگی و حشرات موذی عنوان کردند. نکته دیگری که یکی از زارعان بدان اشاره کرد اینک، جوب ها و چشمه ها نیاز به لایروبی دارند که به تبع همین امر هزینه در بردارد؛ در حالی که کانال های آب، چندان نیاز به لایروبی ندارد. پس از استخراج نقاط فرصت و قوت کانال کشی، به منظور شناسایی نقاط ضعف از مشارکت کنندگان خواسته شد که مشکلات اجرای این راه حل در عمل را تشریح کنند. نکته جالب توجه اینک، تمامی پاسخگویان معتقد بودند که کانال کشی هیچ گونه معایبی ندارد و مورد تایید همگی بود. بنابراین تسهیلگر مجبور شد چندین بار این سوال را مطرح کند که "ممکن است کانال کشی آب چه معایب و تهدیدهایی برای شما داشته باشد؟"، تا بتواند ذهن مشارکت کنندگان را به سمت نقاط ضعف و تهدیدهای ناشی از اجرای این راه حل بکشانند. بالاخره موردی را که به عنوان نقطه ضعف این راه حل بیان کردند این که، ممکن است در فصل زمستان در اثر یخ زدگی، کانال ها ترک بردارند و بشکنند که در این صورت مشمول هزینه تعمیر خواهد شد؛ در ضمن درب های آهنی که در طرفین کانال قرار دارند، معمولاً زود خراب می شوند که البته با بکار بردن مصالح با کیفیت، می توان از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری کرد. به هر حال بحث های صورت گرفته در این خصوص، نشان دهنده آن است که راهکار کانال کشی برای حل مشکل کمبود آب، راه حل مناسبی است (شکل شماره ۵).



شکل شماره ۵: تحلیل SWOT راه حل بیرونی "کانال کشی"

زمان اجرای تکنیک: ۹۳/۱۱/۲۹؛ ساعت: ۱۱:۰۰ تا ۱۲:۴۰

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتایج پژوهش مشارکتی حاضر نشان داد عدم ثبات بازار، مشکل کمبود علوفه، آب از مهم‌ترین مواردی می‌باشند که بهره‌برداران دامدار روستای کنگرشاه با آن مواجه هستند. در تایید مهم‌ترین مشکل استخراج شده یعنی عدم ثبات بازار، یافته‌های تحقیقات (صدرااشرفی و پراکش سود، ۱۳۵۸؛ ابریشمی، ۱۳۸۰؛ کمیجانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ عزیزی، ۱۳۸۶؛ پرین و اسماعیلی، ۱۳۸۷؛ بریم نژاد و شوشتریان، ۱۳۸۷؛ نقل از قنبری، ۱۳۷۲؛ مرکز مطالعات زیر بنایی، ۱۳۹۲) نشان می‌دهد که سیاست‌هایی همچون قیمت‌گذاری غیراصولی و عدم ثبات بازار، اثرات منفی بر اقتصاد و تولید داخلی داشته است، چرا که تولیدکنندگان نمی‌توانند بر اساس مکانیسم بازار جهت تولید در آینده تصمیم درستی اتخاذ کنند. عدم اتخاذ تصمیم مناسب از سوی تولیدکنندگان در درازمدت موجب کاهش تولید، واردات بیشتر، زیان مصرف‌کنندگان و کاهش رفاه اجتماعی آنان خواهد شد. این درحالی است که براساس یافته‌های میدانی کنترل و حل این مشکل خارج از توان مردم محلی است و نیازمند مساعدت جدی دولت و تنظیم سیاست‌هایی در جهت حمایت از تولیدکننده می‌باشد.

هم‌چنین نتایج نشان داد کمبود علوفه از دیگر مشکلات مطرح شده مهمی می‌باشد که در ماتریس مشکلات رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. بررسی‌ها نشان داد این مشکل ناشی از عدم تعادل دام و مرتع، اجرای طرح منابع طبیعی در مراتع روستا و اعمال یکسری محدودیت‌ها برای دامداران و کم بودن سطح زیر کشت علوفه در روستا می‌باشد. این مسئله دامداران را با چالش‌های دیگری همچون آسیب‌پذیری دام در برابر بیماری‌ها، عدم بازار پسندی دام، افزایش هزینه‌ها و... روبه‌رو کرده است. پژوهش جمشیدی و امینی (۱۳۹۱) و محمودی و همکاران (۱۳۹۰) نیز بر این مشکل مهر تایید گذاشته و تاکید می‌نمایند این مشکل می‌تواند بقای فعالیت دامداری را با چالش مواجه سازد و منجر به کاهش تنوع منابع درآمدی و معیشتی روستاییان و آسیب‌پذیری آنان شود. بر اساس یافته‌ها دامداران با بکارگیری برخی از راه‌حل‌های محلی همچون: استفاده گز، کاه و کلش و بقایای زراعی و گز، برای تغذیه دام، خرید علوفه، در برخی موارد فروش دام‌ها و کاهش تعداد آنها، جا به جایی و انتقال دام‌ها در فصل زمستان و استفاده از روش‌های سنتی برای درمان بیماری دام‌ها و... توانسته‌اند تا حد زیادی آسیب‌پذیری خود را در برابر این شوک‌های تهدیدکننده کاهش دهند. بر طبق ماتریس مشکلات، کمبود آب از دیگر مشکلات مطرح شده توسط دامداران مورد مطالعه می‌باشد. بررسی‌ها نشان داد افراد مورد مطالعه برای حل این مشکل خواهان استفاده از پتانسیل‌های موجود در روستا می‌باشند. به عنوان مثال احیاء و بازسازی قنات موجود در روستا یکی از راهکارهای شاخصی بود که توسط مخاطبان مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این، کانال کشی اراضی روستا یکی دیگر از راهکارهایی بود که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره نمودند. از دیدگاه آنان کانال کشی موجب صرفه‌جویی در مصرف و کاهش پرت آب خواهد شد.

از این‌رو می‌توان این‌گونه استنباط نمود راه‌حل‌های محلی به دلیل سازگاری و تکرارپذیری از قابلیت اعتماد و کاربرد بیشتری در بین بهره‌برداران برخوردار هستند و مستندسازی این راه‌حل‌ها و بکارگیری آنان در مناطق و شرایط مشابه می‌تواند به طور موثر و اثر بخش کمک شایانی به بهره‌برداران نماید.



منابع

- ابریشمی، ح. (۱۳۸۰). تقاضای واردات در اقتصاد ایران با رویکرد نوین. پژوهشنامه بازرگانی، ۵(۲۰): ۳۰-۱.
- اسحاقی، س. ر. رضایی، ر.، حجازی، ی.، شیرینی، ن. و قدیمی، س. ع. (۱۳۹۲). تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرحهای حفاظت از منابع طبیعی. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۴(۳): ۴۷۱-۴۶۳. دوره ۴۴،
- امیری متین، ا. (۱۳۸۹). علت یابی عدم مشارکت مرتعداران در اجرای طرح های مرتعداری با استفاده از رهیافت مشارکتی PRA در استان کرمانشاه (بخش کوزران، شهرستان کرمانشاه). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه.
- امینی، ا. م. و خیاطی، م. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر عدم موفقیت طرح تشکیل تعاونیهای آب بران (استفاده از رگرسیون فازی). فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۴ (۵۳): ۶۹-۹۰.
- ایران نژاد پاریزی، م. ح. (۱۳۸۱). منابع طبیعی تجدید شونده. تهران: انتشارات شقایق روستا.
- بازیان، غ. (۱۳۸۶). مروری بر مدیریت مراتع جامعه عشایری در گذشته و حال: تغییرات، چالشها و راهکارها. فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۱۴(۴): ۵۲۴-۵۳۸.
- پریزن، و. و اسماعیلی، ع. (۱۳۸۷). بررسی عامل های مؤثر بر تقاضای واردات فرآورده های دامی در ایران. اقتصاد کشاورزی، ۱۲(۱): ۶۵-۴۷.
- جمشیدی، ع. و امینی، ا. م. (۱۳۹۱). ارزیابی عوامل مؤثر بر تخریب مراتع از نظر کارشناسان منابع طبیعی در استان ایلام. نشریه حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی، ۱(۴): ۹۱-۱۰۵.
- حیدری، ق.، عقیلی، س. م.، بارانی، ح. و محبوبی، م. ر. (۱۳۸۹). تحلیل همبستگی بین وضعیت مرتع و میزان مشارکت بهره برداران در اجرای طرح های مرتع داری، مطالعه موردی مراتع بلده استان مازندران. مجله مرتع، ۴(۱): ۱۳۸-۱۴۹.
- زارعی دستگردی، ز.، ایروانی، ه.، شعبانعلی فمی، ح. و مختاری حصاری، آ. (۱۳۸۸). تحلیل عوامل تاثیرگذار بر مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه آبرسانی بخش جرقویه شهرستان اصفهان. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۰(۲): ۷۰-۶۱.
- شاه ولی، م. و بازیان، غ. (۱۳۸۰). گزارش نهایی طرح تحقیقاتی. مطالعه مدیریت بومی بهره برداری از مراتع و شناسایی اختلاف ان با قوانین دولتی و مقررات موقوفات. مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان فارس، معاونت آموزش و تحقیقات وزارت جهاد کشاورزی.
- عابدی سروستانی، ا. (۱۳۹۴). بررسی نقش و جایگاه مشارکتی شوراهای محلی در حفاظت از منابع طبیعی. نشریه حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی، ۴(۱): ۱-۲۰.
- عزیزی، ج. (۱۳۸۶). تحلیل تابع عرضه انواع گوشت در ایران با استفاده از مدل بازار چندگانه. فصلنامه پژوهش و سازندگی در امور دام و آبزیان، ۱۹(۷۶): ۹-۱۹.
- عنابستانی، ع. ا.، شایان، ح.، جلالیان، ح.، تقیلو، ع. ا. و خسرو بیگی، ر. (۱۳۹۱). تحلیل عوامل ساختاری مؤثر بر مشارکت روستاییان در توسعه ی نواحی روستایی مطالعه موردی شهرستان ایجرود- استان زنجان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۲(۲۴): ۲۵-۴۵.
- کمیجانی، ا.، نوری، ک.، مقدسی، ر. و گیلانیپور، ا. (۱۳۸۱). تحلیلی بر رابطه عرضه محصولات کشاورزی با سیاست های بازرگانی، ارزی و برآورد توابع عرضه، تقاضا و واردات منتخبی از محصولات کشاورزی. پژوهش نامه بازرگانی، ۲۴(۲): ۱-۲۶.
- محمودی، ج.، حیدری، ق.، میربزرگی، س. ع. (۱۳۹۰). موانع پذیرش پروژه مدیریت چرا از دیدگاه کارشناسان منابع طبیعی (مطالعه موردی: مراتع ییلاقی مازندران). مجله تحقیقات منابع طبیعی، ۲(۱۴): ۱-۹.
- مرکز مطالعات زیر بنایی. (۱۳۸۸). وضعیت صنعت دام و طیور کشور. (۹۸۰۸): ۱-۲۵.
- Kocheiki, A. (۱۹۹۷). Sustainable agriculture, attitude or approach. Journal of Agricultural and Development Economics, ۲۰ (۵): ۲۵.
- Makhdom, M. (۲۰۰۱). Cornerstone Land. Tehran University Publications, Tehran, ۲۸۹p.
- Sadeghi, M.A. (۲۰۰۶). The role of Islamic rural councils in natural resources management. Journal of Cooperative, ۱۶۳: ۷۷-۷۸.